

## حقوق مردم و امنیت

سید محمد حسن جعفری نژاد<sup>1</sup>

مهران رحمانی<sup>2</sup>

تاریخ پذیرش: 1392/8/23

تاریخ دریافت: 1392/6/1

### چکیده

برقراری و ایجاد یک محیط امن از جمله دغدغه‌های هر حکومتی تلقی می‌شود و امنیت ملی هر کشوری جدا از امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیست. از این رو داشتن یک جامعه با ثبات از مهم‌ترین وظایف دولت به شمار می‌آید؛ اما قبل از آن که حکومت بتواند به ایجاد چنین محیطی اقدام کند، باید ساختارهای داخلی، کارکردها و وظایف خود را دقیق برنامه‌ریزی کند تا منجر به بحران و ناهنجاری نشود. یکی از الزام‌های دولتی که در چارچوب حقوق محصور می‌باشد، آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف قانونی خویش است و در هر نظام حقوقی، به عنوان نخستین وظیفه آن، حقوق و آزادی‌های شهروندان باید مورد حمایت قرار گیرد. در این پژوهش سعی بر آن شده که حقوق مردم و امنیت مورد بررسی قرار گیرد که پس از تعاریف امنیت و تهدید، سبب شناسی تهدیدات امنیتی، عوامل تهدید کننده، انواع امنیت، جرایم علیه امنیت خارجی کشور و حقوق مردم مورد بررسی قرار گرفته که می‌توان گفت امنیت یکی از حقوق طبیعی هر شهروند در هر کشوری می‌باشد که ایجاد آن در بین افراد جامعه از وظایف اصلی دولت می‌باشد؛ زیرا تا هنگامی که امنیت در جامعه حاکم نباشد، ثبات و رضایت نیز در جامعه نخواهد بود.

**واژگان کلیدی:** حقوق، مردم، امنیت، تهدید.

---

1 - رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویر احمد

2 - کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

## مقدمه

انسان به دلیل انسان بودنش و داشتن کرامت، دارای حقوق و آزادی‌هایی است و تصور انسان بدون داشتن آن‌ها بی‌معنا و بیهوده خواهد بود. حقوق و آزادی‌هایی که انسان از آن، چه در حقوق الهی و طبیعی و چه در حقوق موضوعه برخوردار است، برخی شامل حقوق و آزادی‌هایی می‌شود که اشخاص عمومی مانند دولت و یا اشخاص خصوصی حق تعرض به آنان را ندارند و دولت نیز موظف به پاسداری از آن‌ها و برخورد با کسانی است که به آن‌ها تعرض می‌نمایند. بخشی از حقوق و آزادی‌های دسته اخیر مربوط به جسم انسان است که خود به دو دسته فردی و جمعی تقسیم می‌شود. حقوق و آزادی‌های جسمانی فردی اشخاص عبارتند از: حق زندگی، حق کرامت انسانی، آزادی رفت و آمد و انتخاب محل اقامت، مصونیت از تعرض به حریم خصوصی، مصونیت از مسکن و مکاتبات، حق ازدواج آزادانه و . . .

حقوق و آزادی‌های جمعی شامل آزادی تجمع، آزادی تظاهرات و راهپیمایی و آزادی تشکل است که به موجب آن‌ها افرادی که دارای عقاید و نظرات مشترکی هستند، در کنار یکدیگر جمع شده و در قالب تشکل‌های موقت یا دائمی از آن‌ها دفاع می‌کنند. قسم دیگر آزادی‌ها به آزادی‌های فکری مربوط است که آزادی اطلاعات، آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش، آزادی نمایش و آزادی رادیو و تلویزیون را دربرمی‌گیرد. دسته دیگر از حقوق و آزادی‌ها عبارتند از: حقوق و آزادی‌های سیاسی مانند مردم سالاری، حق رأی، حق تخریب، حق تحزب، حق تابعیت و حق پناهندگی است. این حقوق درباره مشارکت در زندگی سیاسی، رسیدن به قدرت، ایجاد پیوند و رابطه با یک دولت و پناه بردن از یک دولت به دولت دیگر به دلیل عقاید عمده‌تأسیسی است (عباسی، 1390: 32 - 31).

امنیت بیش از آن که مفهومی قابل توضیح باشد، امری ذهنی، محسوس و قابل درک است. گستره درک این مفهوم به اندازه تمام موجوداتی است که حیات خودآگاهانه دارند. هر مخلوقی که توانایی درک حیات خود را داشته باشد، می‌تواند عدم حیات خود را نیز متصور شود و در برابر شرایطی که به عدم حیات منجر می‌شود، مقاومت می‌کند. این مقاومت را می‌توان به عنوان تلاش برای رفع تهدیداتی تعریف کرد که به نابودی حیات منجر می‌شوند. لذا امنیت به عنوان ابزاری برای حفظ، تداوم و ارتقاء حیات برای او قابل درک است (آشنا و اسمعیلی، 1388: 74). امنیت در مورد افراد به معنای آن است که نسبت به

حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌شود و لازمه حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آن‌ها از دور ماندن از مخاطرات و تهدیدات است. اگر توجه کنیم در می‌یابیم که مخاطره انداختن و تهدید، شامل هر نوع زمینه و عوامل اجتماعی است که احياناً منجر به نقض و تعرض به بالفعل حقوق مشروع افراد می‌شود. پس باید امنیت را اعم از جلوگیری از نقض و تعرض بالفعل بدانیم و در تأمین امنیت، ایجاد شرایط لازم برای صیانت حقوق و برطرف نمودن زمینه‌ها و عوامل تعرض احتمالی را نیز لازم و ضروری بشماریم (مظلوم، 1388: 184).

امنیت یکی از موضوعات مهم در هر اجتماعی است. در واقع یکی از اهداف اساسی امنیت ملی در هر کشوری، حفاظت از ارزش‌های محوری و حیاتی نظام فرهنگی آن می‌باشد و در مقابل، از جمله کارکردهای عمده هر نظام فرهنگی امنیت بخشی به زندگی اجتماعی و تداوم آن، تکوین هویت اجتماعی و ایجاد حفظ همبستگی است. انحرافات و تهدیدهای بسیاری وجود دارند که در سطح داخل اجتماع موجب بر هم زدن نظم و امنیت جامعه می‌شود. در جامعه ایران نیز با توجه به ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و ساختار بسیار جوان جامعه و وجود مشکلات متعدد اقتصادی، انحرافات اجتماعی یکی از پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی می‌باشد که موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی و چالش امنیت اخلاقی و اجتماعی گردیده است، به طوری که شاهد نگرانی عمده نخبگان سیاسی و علمی جامعه هستیم (ذاکر اصفهانی و صادقی، 1387: 50).

دین اسلام آزادی را حق همه مردم می‌شمارد و آن را موجب پایداری و تکامل جوامع انسانی می‌داند و حد آن را مرزهای الهی ذکر کرده است. بدیهی است که این باید و نبایدهای الهی هرگز مخل آزادی نیست، بلکه ضامن و تأمین کننده امنیت است. در جامعه‌ای که قانون حاکم نیست، افراد آن دست‌خوش هوی و هوس و قدرت دیگران خواهند بود و هرج و مرج به وجود خواهد آمد که در این صورت هیچ‌کس در امان نیست. پس با بودن قانون الهی، همگان در حدود آن آزادند؛ زیرا در چنین جامعه‌ای هیچ‌کس نمی‌تواند توطئه کند و فضای آن را ناامن کند.

هر کشوری مسائل امنیت ملی خاص خود را دارد به طوری که فرصت و تهدیدات امنیت ملی یک کشور را موقعیت جغرافیایی، میزان توسعه یافتگی، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور تعیین می‌کند. میان توسعه و امنیت

یک رابطه متقابل وجود دارد. هر جا که امنیت باشد، توسعه پایدار می‌شود و هر جا که توسعه باشد، امنیت وجود دارد. امنیت زمینه‌های پیشرفت و توسعه را فراهم می‌کند و توسعه هم مولد امنیت است. زمانی که در یک جامعه امنیت نباشد، امکان سرمایه‌گذاری وجود نخواهد داشت و کاهش سرمایه‌گذاری موجب تعمیق عقب‌ماندگی خواهد شد. در مقابل، عدم توسعه یافتگی در یک منطقه، ناامنی‌های اجتماعی و فرهنگی شدیدی به همراه خواهد آورد.

امنیت در یک سیستم سیاسی با بهره‌برداری مفید از منابع و افزایش ثروت و کاهش ناامنی و نآرامی رابطه مستقیم دارد. فقر یکی از عوامل مهم و اساسی بی-ثباتی در هر کشور و فقر گسترده مایه تضعیف هرگونه حکومتی است. توسعه اقتصادی، منجر به امنیت بیشتر اقتصادی و اجتماعی و آموزش بهتر و باعث گسترش طبقه متوسط در جامعه می‌شود. از طرفی حل مشکل اشتغال با توجه به جمعیت جوان کشور، یک گام اساسی در راه تحقق توسعه تلقی می‌شود که می‌تواند بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و زیان‌های اقتصادی را نیز برطرف نماید. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن شده که به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- 1- راه‌ها و عوامل تهدید کننده امنیت در جامعه کدامند؟
- 2- راهکارهای ایجاد امنیت در جامعه کدامند؟
- 3- حقوق، توقعات و انتظارات مردم از پلیس چیست؟

#### تعریف امنیت

این واقعیت که امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان بوده و تاریخی به درازای سکونت بشر بر روی کره خاکی دارد، حکایت از پیشینه طولانی مطالعات امنیتی است و این که در این باره ارائه تفکر، نظریه و یا راهبرد آن مراحل اولیه خود را طی کرده و هم اکنون دوران بلوغ خود را با تولید حجم قابل توجهی از متون پشت سر می‌گذارد، امری غیر واقعی نیست (تریف و دیگران، 1381: 34).

ملاحظات امنیتی پیشین که مبتنی بر نظامی‌گری بوده، در عرصه و عمل همچنان حرف آخر را می‌زند و بازیگران در ورای شعارهایی که بیان می‌دارند، همچون قبل امنیت خود را با توجه به عنصر نظامی‌گری تعقیب می‌نمایند. در چارچوب سنتی، امنیت صرفاً در سطح بین‌المللی معنا می‌یابد، در حالی که در مطالعات امنیتی جدید، میان سطح خارجی و داخلی پیوند برقرار شده و این دو جدا از هم نمی‌باشند و به همین جهت امنیت را صرفاً در سطح بین‌الملل تعریف نمی‌کنند.

امنیت در لغت به معنای ایمنی، آرامش و آسودگی، اطمینان و آرامش خاطر است (معین، 1378: 352 و قرشی، 1352: 122). اصولاً امنیت یک مفهوم نسبی است؛ یعنی در بیان ناامنی یا وجود امنیت باید حالتی را با حالت دیگر سنجید یا جامعه‌ای را با جامعه دیگر مقایسه کرد و به همین جهت می‌بینیم که امروز در کشورها و اقوام جهان، تعریف امنیت یا ناامنی یک تعریف قراردادی است؛ یعنی ممکن است وضعیتی برای یک جامعه امنیت ولی برای جامعه دیگر ناامنی و بالعکس باشد.

امنیت را در اصطلاح می‌توان تأمین آسایش و راحتی خیال و نبودن شرایط ترس در زندگی فردی و اجتماعی با وجود مجموعه شرایطی دانست که به انسان توانایی حرکت و برنامه‌ریزی برای تغییر وضعیت فعلی به وضعیتی بهتر را می‌دهد (فیروز آبادی، 1391: 15). برخی در خصوص امنیت می‌گویند: «امنیت یک کشور دربرگیرنده وحدت سرزمین، ثبات رژیم، درک و شناخت سایر منافع ملی و بین‌المللی و تأمین و حفظ حیات ساکنان در برابر تهدید، عمل و یا موقعیتی است که به هر طریقی به مسیر زندگی آنان لطمه وارد می‌کند. به بیان دیگر، امنیت ممکن است به توانایی یک ملت در نگهداری و حفظ نظم قانونی و تأکید بر هویت اصیل خود در زمان و مکان اطلاق می‌شود» (مهدی‌زاده و جوکار، 1390: 14). امنیت مفهومی چند وجهی داشته و همزاد با مفاهیمی مانند قدرت، تهدید و آسیب است. مفاهیم موجود در فرهنگ‌ها، امنیت را احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی‌اند، مورد توجه قرار داده‌اند. امنیت با تعریف مفهوم مخالف یعنی ناامنی و بیان شاخص‌های وضعیت نیز قابل تعریف به ذهن است (آقارفعی و سرمدی، 1389: 21). در مجموع امنیت دارای دو معنای الف: ایجابی، به مفهوم وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان، ب: سلبی، به معنای نبود ترس و اجبار و تهدید است (افتخاری، 1378: 27 - 26). بنابراین امنیت یک مفهوم ذهنی است که آرامش درونی ایجاد می‌کند و این آرامش، آن‌گاه که شهروندان پندارهای خود را از ناحیه قدرت‌های دیگر و حاکمان، دستخوش تغییر و به چالش نمایند، زایل می‌شود و ناامنی جای آن را می‌گیرد. بنابراین یکسانی پندارهای مردمان جامعه، امنیتی درونی را ایجاد می‌کند که هرگاه پندارها و ارزش‌های جامعه، مختلف و بعضاً متعارض شد، طبیعی است امنیت هم تبدیل به ناامنی خواهد شد.

### تهدید

تهدید یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حوزه مطالعات امنیتی است و از جمله مفاهیمی است که در ادبیات سیاسی و استراتژیک مقامات امنیتی و سیاسی

کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. تهدیدات امنیتی علیرغم اهمیت بسیار آن، بیشتر به صورت کاربردی و مصداقی مورد استفاده قرار گرفته، تا جایی که در متون راهبردی کشورها، همواره تهدیدات آن‌ها از ناحیه موضوع یا مسأله مورد نظر اعلام گردیده است. تهدید و ترس از مقولات همیشگی در محیط زندگی بشری است. هر هویتی اعم از انسان یا سازمان از سوی عامل یا عواملی احساس تهدید می‌کند و در راستای این تهدیدات نیز اقدام به طراحی استراتژی و یا ابزار سازی نموده است. امروزه امنیت دارای چهره، بُعد و سطوح گوناگونی شده است. همزمان با چنین تحولاتی، اندیشمندان به تأثیر زاویه نگرش در خصوص مباحث امنیتی پی بردند.

در مورد تهدید تعاریف مختلفی ارائه شده که می‌توان تهدید را بیان و ابراز قصد آسیب رساندن، نابود یا تنبیه کردن یا ناراحت کردن و به دردر انداختن دیگران از روی انتقام یا ارباب دانست و تهدیدات امنیت ملی، اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل مؤثر و در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی خطر افت کیفیت زندگی برای ساکنان یک کشور را پیش آورد و با خطر جدی کاهش طیف خط مشی‌هایی که حکومت یک کشور یا واحدهای غیرحکومتی خصوصی موجود در یک کشور (گروه‌ها، اشخاص و شرکت‌ها) می‌توانند میان آن دست به انتخاب بزنند، همراه است (عبدالله خانی، 1386: 23 - 22).

### سبب‌شناسی تهدیدات امنیت

امنیت در هر جامعه‌ای باعث آرامش و رفاه مردم آن جامعه و رضایت آنان از دولت حاکم می‌باشد که خود این امنیت را عوامل بسیاری می‌توانند تهدید کنند. اسباب اصلی و اساسی این تهدیدات می‌تواند موارد زیر باشد:

#### 1- معمای امنیتی

کانون نظریه معمای امنیتی در سبب‌شناسی تهدیدات امنیتی بر پایه باورهای ساختاری و عدم قطعیت غیر قابل حل متمرکز است. این نظریه معتقد است که وقتی کشورهای عضو مجموعه‌ای امنیتی اقدامات خود در تقویت امنیت ملی را اقدامی دفاعی، اما اقدامات دیگر کشورهای عضو در تقویت امنیت ملی‌شان را اقدامی تهاجمی و بالقوه تهدید آمیز تلقی نمایند، باور ساختاری معماگونه که ایجاد کننده زمینه‌های مستعد رشد و نمو تهدید است، شکل خواهد گرفت.

#### 2- موازنه تهاجم - دفاع

بر اساس این نظریه، شکل‌گیری و تشکیل تهدیدات را باید در تفوق تهاجم در ایجاد و حفظ امنیت و منافع دانست و چنان چه تهاجم به یک اصل ساختاری در

ایجاد و حفظ امنیت و منافع در محیط امنیتی مورد نظر تبدیل شده باشد، شکل گیری و تشدید تهدیدات آسان‌تر خواهد بود.

### 3- تهدیدات مبتنی بر آسیب پذیری

این رویکرد، وجود آسیب پذیری‌ها را دلیل اصلی شکل گیری و تشدید تهدیدات می‌داند؛ زیرا معتقد است بخش اعظمی از تهدیدات، آن دسته از اهداف مرجع یا دارایی‌های کلیدی را که آسیب‌پذیری قابل توجهی دارند، نشانه رفته‌اند.

### 4- فرهنگ و تهدیدات امنیتی

این رویکرد بر پایه عقاید بنیان ذهنی، دو مفهوم اساسی هویت و هنجار را مطرح می‌نماید و هویت را طرز تلقی و برداشت گروهی از مردمان از خودشان در رابطه با دیگر گروه‌های انسانی می‌دانند که فرض می‌شود از جنبه‌های مهمی با آن‌ها تفاوت دارند. از سوی دیگر هنجارها، بازیگران و واکنش‌های معنادار را از طریق قرار دادن آن‌ها در نقش‌ها و محیط‌های اجتماعی به وجود می‌آورند. هنجارها از طریق آن چه مناسب و مؤثر است، کنش‌ها را تنظیم و نیز تنظیم‌کننده رفتارها و سیاست‌های بازیگران در عرصه بین‌المللی هستند.

### 5- نیات تهاجمی و تهدیدات امنیتی

این رویکرد، چهار عامل قدرت نظامی، توان تهاجمی، نزدیکی جغرافیایی و نیات تهاجمی را در شکل گیری تهدید بیان نموده و معتقد است سه عامل اول در تولید یا ایجاد تهدید، نقش اولیه و مقدماتی دارند، یعنی اگر نیات تهاجمی حاضر باشد و در کنار آن قدرت نظامی و توان‌مندی‌های تهاجمی و مجاورت جغرافیایی موجود باشد، تهدید، تولید یا ایجاد خواهد شد ( عبدالله خانی، 1386: 118 - 103 ).

### عوامل تهدید کننده

در ایران، گاهی تصمیمات جنبه حیثیتی پیدا می‌کند و فکر می‌کنیم اعتراف به هر گونه شکستی به معنای پذیرش شکست خواهد بود. این یکی از بزرگ‌ترین اشکالات در نظام تصمیم‌گیری کشور است. هنوز در جامعه ما انتقاد جایگاه خود را پیدا نکرده و فکر می‌کنیم وارد کردن اشکال به یک تصمیم، مساوی با جهل و یا حتی خیانت تصمیم‌گیرنده است؛ در حالی که باید بپذیریم معمولاً تصمیمات با نقض و خطا همراه هستند. این که بسیاری از قوانین مصوب به ناچار پس از چند ماه یا چند سال نیاز به اصلاح پیدا می‌کنند، در بسیاری از موارد ناشی از مشکل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در تصویب قوانین است. یکی از مشکلات دیگر در افکار عمومی جامعه و مسئولین، بحث آینده نظام است. همیشه در ذهن برخی از

مسئولین، گویی نوعی اضطراب وجود دارد که دشمنان مشغول توطئه و برنامه ریزی علیه نظام اسلامی هستند و همواره برای بقای نظام احساس خطر می‌کنند. گویی همواره در خصوص ثبات و استحکام نظام، شک و تردید وجود دارد و این تردیدها باعث می‌شود اقداماتی که انجام می‌گیرد، گاهی به حد کافی مناسب و یا دقیق نباشد، در حالی که در بیشتر کشورها وضع چنین نیست. گاهی افراد تصمیم گیرنده، به تمام جوانب مسأله آگاهی کامل ندارند و احتمالات آینده را به دقت مورد بررسی قرار نمی‌دهند (روحانی، 1390: 67 - 65).

صلح و امنیت ضامن بقای بشری و تمدن اوست. در عصر حاضر، موانع و مشکلات فراوانی در راه برقراری و استمرار صلح و امنیت پایدار وجود دارد. ارزش و حیاتی بودن صلح و امنیت تنها هنگامی به وضوح آشکار می‌شود که تهدید و یا نقض شده باشد. از آن جا که ثبات و پیشرفت هر کشوری بستگی به امنیت آن کشور دارد، یکسری عواملی وجود دارند که درصدد بر هم زدن امنیت و ایجاد بی‌ثباتی و عدم پیشرفت در آن کشور هستند. این عوامل عبارتند از:

#### 1 - تهدیدات سیاسی

تهدیدات سیاسی در سطح داخلی به مسائلی چون فقدان دموکراسی و بی‌ثباتی حکومت اشاره دارد. به نظر می‌رسد تهدیدات سیاسی در ساختارهای سلسله مراتبی برجسته‌تر باشند.

#### 2 - تهدیدات اقتصادی

فقر و توسعه نیافتگی مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی هستند که ممکن است ناشی از سوء مدیریت نظام سیاسی داخلی باشد یا این که از تخصیص ناعادلانه ثروت جهان در سطح بین‌المللی نشأت بگیرند.

#### 3 - تهدیدات اجتماعی

تهدیدات اجتماعی و فرهنگی عمده‌تر ریشه در تهدیدات اقتصادی دارند و از طرف دیگر نیز با تهدیدات سیاسی مرتبطند. معضلاتی چون مهاجرت‌های بی‌رویه غیرقانونی، بی‌سوادی، مواد مخدر، جرم و جنایت و بزه‌کاری، فساد و . . . چالش‌هایی هستند که هر چند توجه کمتری به آن‌ها شده، اما پتانسیلی قوی برای رشد دارند. اکثر این بحران‌ها ریشه اقتصادی یا سیاسی دارند و می‌توانند به صورت تهدیدات سیاسی و اقتصادی تأثیر بگذارند.

#### 4 - تهدیدات نظامی

مداخلات نظامی و اقدامات تجاوزکارانه، بارزترین مصادیق تهدیدات نظامی هستند. اما تکثیر بی‌رویه سلاح‌های گشتار جمعی که روز به روز بر پیچیدگی



کیفیت تکنولوژی آن‌ها افزوده می‌شود، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است (مهدی‌زاده و جوکار، 1390: 29 - 28).

### 5 - بحران ارزشی و قومیت

بحران ارزشی بیش از هر چیز از تفاوت‌های فرهنگی ناشی می‌شود. تفاوت گروهی از مردم در هنجارها و ارزش‌های ناظر بر آن‌ها یا به عبارتی تفاوت در الگوهای فرهنگی، احساس مشترک معمولی و تفاهم را از بین می‌برد و مناسبات را به تعارض و تقابل می‌کشاند. تعارض فرهنگی به هنگام وجود قومیت‌های گوناگون بروز می‌کند.

در بیشتر کشورهایی که جمعیت آن‌ها از قومیت گوناگون تشکیل شده است، تسلط یک قوم و فرهنگ و زبان آن امری بدیهی به شمار می‌آید. در چنین صورتی می‌توان حدس زد که این تسلط بر اثر امحاء، سرکوب یا تصفیه اقوام دیگر حاصل شده است. اما زبان و فرهنگ، عناصری نیستند که بر اثر فشار بیرونی از بین بروند. در این صورت، اگر ارزش‌های فرهنگی قوم غالب و قوم مغلوب در تضاد و تقابل باشد، بحران ارزشی رخ می‌دهد.

از آن جا که در هر جامعه‌ای وجود رده‌ها و گروه‌های قومی متنوع و آمیزش آن‌ها امری معمول است، گاه افراد از دو یا چند خط تباری برخوردارند و هر خط تباری آنان را به یک گروه وابسته می‌کند. در این میان، آن چه گرایش فرد یا گروه را تعیین می‌کند، شرایط کنونی زندگی آن‌هاست. با این حال، در کلیت امر، گسستن یا پیوستن به یک گروه قومی امری نیست که به انتخاب یک فرد یا گروه در یک مقطع زمانی صورت گیرد، بلکه این تغییر و انتخاب در روند و هماهنگی با تغییرات اقتصادی و در گذر چندین دهه امکان‌پذیر می‌شود. بسیاری از ساکنان روستاهای ایران و به ویژه غرب ایران شاهد این مثال هستند. این افراد که اجدادشان گلهدار و کوچ‌نشین بوده‌اند، پس از چندین نسل، خود را کشاورز و یکجانشین معرفی می‌کنند.

نادیده گرفتن قواعد اجتماعی از طرف افراد هر گروه قومی امری غیر ممکن است که در صورت وقوع، پیامد و مجازات سختی دربردارد. چرا که هرگونه بی‌توجهی به قواعد و هنجارهای معمول، نظم و همبستگی جامعه را به خطر می‌اندازد. از این روست که در کشورهای جهان سوم در حال توسعه، جامعه در روند انتخاب رهیافت‌های جدید و هنجارهای سنتی با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود. این چالش‌ها زمانی از اهمیت مضاعف برخوردار می‌شوند، که یک گروه قومی، دیگر اقوام را برای دسترسی به منابع با مشارکت کامل در تصمیم‌گیری سیاسی دچار محدودیت می‌کند. بدین گونه است که تمایزهای قومی در قالب گروه-

های اجتماعی - سیاسی بروز کرده و اقلیت‌های قومی در قالب سازمان‌های رسمی گوناگون تشکل یافته‌اند تا منزلت اجتماعی خود را بهبود بخشند و با تبعیض جامعه مسلط مبارزه کنند (صحفی، 1380: 87 - 84).

موارد دیگری نیز از قبیل نامنی داخلی، اختلافات قومی و مذهبی، ترویج تفکرات مسموم از طرف زمامداران و سران احزاب فاسد، تزلزل و ناپه‌سامانی اجتماعی و قانون‌گریزی و نافرمانی حقوقی می‌توانند از عوامل اصلی ناپایدار سازی امنیت در یک جامعه باشند (فیروز آبادی، 1391: 41 - 40).  
در مقابل این تهدیدات، مواردی نیز هستند که می‌توانند زمینه‌های اساسی برقراری امنیت پایدار در یک جامعه باشند از جمله:

### 1 - تربیت و تزکیه و آموزش

جهل در جنبه‌های مختلف و چهره‌های گوناگون آن از اساسی‌ترین دشمنان امنیت و آموزش و پرورش، زاینده جهل است.

### 2 - عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی ملت را در زندگی اجتماعی و سلوک فردی به سوی ارزش‌های والا و متعالی سوق می‌دهد. نبود عدالت اجتماعی، امنیت و آرامش را از اعضای جامعه سلب می‌کند. افراد باید برای بهتر زندگی کردن و حفظ امنیت خود و جامعه از قانون اطاعت کنند؛ زیرا نقض قانون موجب بی‌نظمی و هرج و مرج می‌شود که حاصل آن، بر هم خوردن امنیت اجتماعی است.

### 3 - امنیت دسته جمعی

امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یک جانبه تحقق پذیرد، بلکه برای تأمین امنیت ملی، تشریک مساعی افراد حکومت ضرورت دارد.

### 4 - امنیت بین‌المللی

تکیه بر قدر مشترک‌ها و تأکید اسلام در سوق دادن ملت‌ها به سوی قدر مشترک‌ها، بنیان نهادن روابط بین‌الملل بر اساس عواملی نیرومند برای استقرار امنیت جمعی مسلمین است (فیروز آبادی، 1391: 16 - 15).

همچنین مواردی از قبیل امنیت سایسی، حاکمیت قانون، اسلامیت و جمهوریت نظام، حضور در صحنه، معیشت مرد، دفاع از جان، مال و ناموس مردم، استقلال و همبستگی ملی، قانون‌گرایی، توجه به مصالح جهان اسلام در روابط بین‌الملل، مراقبت فرهنگی و استقلال آن از فرهنگ مخالف و مهاجم، نظارت عمومی در جامعه و ایستادگی و تحمل تحریم‌ها و سختی‌ها نیز می‌توانند نقش مؤثری در امنیت پایدار یک جامعه داشته باشند.

## انواع امنیت

صرف آشنایی با ابعاد مختلف یک کشور برای حصول امنیت ملی کفایت نمی‌کند، بلکه برای بررسی صحیح موضوع امنیت در یک کشور، ابتدا باید منابع ناامنی آن کشور را مشخص نمود، سپس با شناخت دقیق آن‌ها برای تأمین امنیت ملی و رفع تهدیدات اقدام نمود.

ایران به لحاظ موقعیت استراتژیکی که دارد، دارای وجوه و ابعاد مختلفی از امنیت است و به موازات ابعاد مختلف با چالش‌ها و تهدیداتی در امنیت ملی خود روبه‌روست که این تهدیدات به ویژه در سه بُعد اقتصادی، سیاسی و نظامی، بیش از سایر ابعاد خودنمایی می‌کند (رنجبر، 1378: 122).

امنیت داخلی بر اساس معیار جغرافیا از امنیت خارجی تعریف شده است و بر این مبنا، کلیه موضوعاتی را که در قلمرو ملی قرار دارند، شامل می‌شود. بدین ترتیب، امنیت عمومی از حیث موضوعی در حوزه امنیت داخلی قرار دارد، با این توضیح که بخشی از مسائل امنیت داخلی که ناظر بر مناسبات «قدرت - مردم» و «مردم - مردم» است، در حیطه امنیت عمومی قرار می‌گیرد (افتخاری و همکاران، 1389: 19).

### 1 - امنیت اقتصادی

منظور از امنیت اقتصادی در سطح فردی، میزان دستیابی مردم به ضروریات زیستی است. در سطح بالاتر ایده امنیت اقتصادی با ابعادی گسترده‌تر از مباحث سیاسی درباره انتقال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط می‌شود. سطح دیگر از امنیت اقتصادی مربوط به شرکت‌ها می‌شود؛ زیرا شرکت‌ها از مهم‌ترین و اصلی‌ترین بازیگران اقتصادی‌اند و کمتر از سایر بخش‌ها می‌توانند از تناقضات اقتصادی فرار کنند (شجاع، 1390: 98). اصولاً توانایی و قدرت اقتصادی هر کشوری نه تنها در حفظ استقلال و حاکمیت ملی‌اش نقش مهمی بازی می‌کند، بلکه برای پیشبرد سیاست خارجی پویای کشوری که دارای اهداف وسیع سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی جهانی می‌باشد، مهم‌ترین عامل به شمار می‌رود.

با توجه به تحولات جهانی در خصوص اهمیت یافتن بُعد اقتصادی امنیت، نقش و نفوذ عامل اقتصادی در تضمین امنیت ملی ایران نیز انکارناپذیر است. جمهوری اسلامی ایران که از لحاظ درآمدی ارزی وابستگی شدیدی به صدور نفت دارد، رشد اقتصادی خود را در سایه استفاده از فناوری‌های هسته‌ای و تحولات اقتصادی جهانی می‌بیند (افشردی، 1381: 293-289).

به لحاظ اقتصادی، مهم‌ترین تهدید که امنیت ایران را در معرض خطر قرار می‌دهد، دور ماندن از اقتصاد جهانی به واسطه برخی از عوامل داخلی و واکنش-

های خارجی می‌باشد و مخالفت ایران با الگوهای مورد نظر جوامع غربی به ویژه آمریکا باعث پیدایش موانع متعددی برای سرمایه‌گذاری، فروش نفت، جایگزین کردن مشتری جدید، اکتشاف مخازن جدید و دسترسی به ارز معتبر شده است. برای نمونه، جلوگیری آمریکا از عبور لوله‌های نفتی و گازی منطقه خزر از خاک ایران، موجب زیان اقتصادی و تهدید منافع و امنیت ملی ایران در منطقه شده است. ناتوانی اقتصادی موجب تضعیف کشور در زمینه دفاعی و تهیه سخت افزارهای و تجهیزات نظامی شده و متعاقباً بر شدت آسیب پذیری کشور در مقابل تهدیدات امنیتی خارجی می‌افزاید (شربانی، 1387: 299 - 298).

اگر امنیت نباشد، اقتصاد هم نیست. تلاش برای سازندگی و افتخار آفرینی نیست. ناامنی بزرگترین خطری است که یک ملت را تهدید می‌کند. امروزه اگر به بعضی از ملت‌های دیگر نگاه کنیم و ببینیم که در زیر آوار ناامنی چه مشکلاتی برایشان به وجود آمده است و امنیتی که ما در طول سال‌های گذشته داشتیم، چه فرصت‌های خوبی را در اختیار ملت ایران قرار داده است، آن وقت اهمیت امنیت ملی برای کشور و مردم ما آشکار خواهد شد.

## 2 - امنیت سیاسی

منظور از امنیت سیاسی، میزان ثبات نظام‌های سیاسی کشورها، قدرت مخالفان سیاسی دولت و نحوه فعالیت آن‌ها علیه دولت است (کاظمی، 1384: 276). مشکل دولت معمولاً به عنوان جزئی ضروری از مکانیزم امنیت سیاسی تعریف می‌شود به طوری که می‌توان گفت که حکومت خوب، منابع ناملموس قدرت ملی و در نتیجه موقعیت امنیتی را بالا می‌برد؛ زیرا چنین حکومتی این توانایی را دارد که حمایت توده‌ای را بالا ببرد (شجاع، 1390: 86). نبود مشروعیت داخلی به بی‌ثباتی سیاسی می‌انجامد و بی‌ثباتی سیاسی نیز احساس ناامنی پدید می‌آورد. پیامد احساس ناامنی نیز حاکمیت فزاینده‌ی بین‌المللی و حضور نیروهای بیگانه برای ایجاد امنیت است. لذا هر دولتی که مشروعیت و ثبات سیاسی نداشته باشد، روز به روز احساس ناامنی بیشتری خواهد کرد و زمینه حضور قدرت‌های خارجی و از بین رفتن حاکمیت و تمامیت ارضی خود را فراهم خواهد کرد (رنجبر، 1378: 175).

در حوزه سیاسی - نظامی نیز به ویژه پس از حوادث 11 سپتامبر و پیامدهای ناشی از آن، از جمله مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی، امنیت بین-المللی با تحولات مهم و اساسی روبه‌رو گردید که جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به موقعیت استراتژیک خود، از این تحولات متأثر گردید.

## 3 - امنیت نظامی

منظور از امنیت نظامی، عبارت است از میزان توانایی نیروهای مسلح یک کشور برای حفظ حکومت، مردم و منافع آن‌ها در برابر تهدیدات قهرآمیز و خطرناک.

تهدید نظامی علیه امنیت ملی را می‌توان به دو دسته تهدیدهای داخلی و خارجی تقسیم کرد، اما گاهی کشیدن مرز بین تهدیدهای خارجی و تهدیدهای داخلی ممکن نیست؛ زیرا اغلب این دو تهدید با هم ارتباط نزدیک دارند. گاهی تهدید داخلی مورد بهره‌برداری بازیگر یا بازیگران خارجی قرار می‌گیرد. با این حال برخی از تهدیدها را می‌توان اساساً خارجی دانست حتی اگر از زمینه‌های داخلی استفاده شود ( شجاع، 1390: 73 - 72).

امنیت نظامی، قدیمی‌ترین برداشت از امنیت است. منظور از امنیت نظامی این است که یک کشور در دیدگاه‌های امنیتی خود چه جهت‌گیری نظامی دارد و وجود چه شرایطی از نظر نظامی را برای امنیت ملی خود مفید تلقی می‌کند ( کاظمی، 1384: 253 ).

امروزه جهان به لحاظ نظامی در مسیر ناامنی حرکت می‌کند و دامنه تهدیدات نظامی و امنیتی در حال گسترش است. در جهان پرماجرای امروز و در غیاب حکومتی جهانی، قدرت نظامی هر کشور، حداقل عامل بازدارنده برای جلوگیری از نفوذ و سلطه بیگانگان در سیاست خارجی یک کشور محسوب می‌شود ( مینایی، 1381: 137 ).

ایران نیز به دلیل موقعیت خاص خود، برای تأمین امنیت ملی‌اش به یک نیروی نظامی قوی و بازدارنده نیازمند است. ستیزه‌جویی‌های آمریکا بر علیه ایران و تهدیدات گسترده نظامی و امنیتی در اطراف مرزهای این کشور و حضور پررنگ ناتو در کشورهای هم‌جوار ایران به ویژه کشورهای منطقه آسیای مرکزی و خصومت‌ها و تهدیدات اسرائیل علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران، لزوم برخورداری ایران از یک نیروی نظامی قوی و متحد برای دفاع از امنیت ملی خود را مضاعف ساخته است ( شربینانی، 1387: 292 ).

انجام دو عملیات وسیع نظامی از سوی آمریکا علیه افغانستان و عراق در جوار مرزهای ایران، حمایت از ادعای ارضی امارات متحده عربی در مورد جزایر ایرانی خلیج فارس، اتهامات غرب مبنی بر تولید سلاح‌های کشتار جمعی و به ویژه حضور نظامی ناتو در مناطق مرزی ایران و روابط رو به گسترش این سازمان با کشورهای همسایه شمالی ایران، از جمله فشارها و تهدیداتی است که از بُعد سیاسی - نظامی، منافع و امنیت ملی ایران را با مخاطرات و تهدیدات جدی مواجه ساخته است ( همان، 298 - 296 ).

علت وجود سرویس‌های امنیتی و برنامه‌ریزی سیاسی، جلوگیری از ضررهایی است که متوجه منافع و هدف‌هایی است که در یک جامعه دموکراتیک وجود دارد و امنیت ملی نام دارد. اگر امنیت ملی را بخش مهم و کارآمد دموکراسی قلمداد کنیم، می‌توان دریافت که نهادهای امنیت ملی چگونه کار می‌کنند و کارکرد آنان چیست. یکی از اصلی‌ترین کاربردهای مفهوم امنیت ملی، توجیهاتی است که بر اساس آن، سنت دموکراتیک به دلیل ملاحظات امنیت ملی با مانع روبه‌رو می‌گردد.

#### 4- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی دلالت بر مجموعه سیاست‌ها و راهکارهایی دارد که هدف از آن‌ها ایجاد اطمینان خاطر برای افراد در زندگی جمعی‌شان می‌باشد و معمولاً از آن به تأمین اجتماعی تعبیر می‌شود. حال آن که امنیت عمومی از حیث موضوعی، فراتر از این ساز و کارها رفته و افزون بر سیاست‌های جبرانی، تأسیسات حقوقی حاکم بر جامعه، اخلاقیات و . . . را نیز دربرمی‌گیرد. پس امنیت اجتماعی بخشی از امنیت عمومی است که ماهیت جبرانی داشته و به دنبال ایجاد اطمینان خاطر در شهروندان می‌باشد ( افتخاری و همکاران، 1389: 19 ).

جهانی شدن را باید مهم‌ترین پدیده‌ای دانست که کل حیات انسانی در عصر حاضر را تحت تأثیر قرار داده است. جهانی شدن به مثابه یک فرایند عینی که گوشه و کنار جهان معاصر را تحت تأثیر قرار داده، از امنیت بسیار بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که افراد، نهادهای ملی و مؤسسات فراملی در قرن 21 دیگر قادر نیستند این مهم را نادیده بگیرند. امنیت جهانی اشاره به یک سیستم نظم یا امنیت در سطح جهان دارد. یک نظام امنیتی جهانی، بر فرض وجود نهادهای قدرتمند و بالقوه یک حکومت جهانی برای تنظیم تعاملات بین واحدها و تنفیذ و اجرای قواعد و ناهنجاریهای آن نظام مبتنی است. تأکید تاریخی بر نیروی نظامی، در ظهور مفهومی منسوخ از امنیت سهم داشته است. دگرگونی تنها در صورتی رخ خواهد داد که دولت‌ها متوجه شوند از طریق استراتژی‌های مبتنی بر همکاری می‌توانند نفع خویش را به حداکثر برسانند ( طیب، 1380: 212 – 209 ).

یکی از تهدیدهای جدی برای امنیت اجتماعی یک کشور به ویژه در کشورها یا جوامع جهان‌سومی، برخوردهای قومی است. می‌توان مدعی شد که جدی‌ترین تهدید برای امنیت بسیاری از کشورهای در حال توسعه شاید مسأله ساختاری

نباشد، بلکه بیشتر به خاطر شکاف‌های عمودی است که در ذات این جوامع ریشه کرده است. در این کشورها، هویت‌های طایفه‌ای نقش مهمی در تعیین قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارند که البته به خاطر میراث استعماری آن‌ها است. در جایی که مرزها به طور دلخواه مشخص شده، ممکن است ترکیب جمعیتی دولت‌های تازه استقلال یافته ذاتاً بی‌ثبات باشد؛ بنابراین ثبات این کشورها به توازن ناپایدار میان جماعت‌های محلی بستگی خواهد داشت (شجاع، 1390: 66).

### 5 - امنیت ملی

در نگاهی کلی، مفهوم امنیت ملی شامل پایداری، صیانت نفس و بقای فیزیکی است. از این رو، هر فردی به تأمین امنیت خود و دایره روابط نزدیکش علاقه‌مند است و در ابعادی بزرگتر، هر جامعه‌ای به حفظ و بقای خود اهمیت می‌دهد. اگر صیانت نفس در افراد غریزی است، حفظ امنیت ملی در جامعه از علایق پایدار محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد که در تعریف مفهومی امنیت ملی به دو نکته باید توجه کرد. نخست گسترش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهانی که منجر به پیوند هر چه بیشتر و نزدیکتر جوامع انسانی با یکدیگر شده است، دوم تقسیم پیچیده‌تر و بیشتر کار اجتماعی که ارتباط و تداخل حوزه‌ها و نظام‌های اجتماعی در یکدیگر را افزایش داده است. بنابراین به امنیت ملی از دو بعد دیگر توجه می‌شود. بُعد نخست، نظم و ثبات جهانی است. به این معنا که هر گونه بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی در جهان و به ویژه در حوزه استراتژیک جامعه مورد نظر به بی‌ثباتی سیاسی و تهدید امنیت ملی آن جامعه منجر می‌شود. بُعد دوم، نقش و اهمیت عوامل مختلف داخلی در تضمین و تأمین امنیت ملی و ثبات سیاسی جامعه است. از این منظر، استقلال اقتصادی یکی از عوامل مؤثر بر امنیت ملی است (صحفی، 1380: 79).

به طور کلی قدرت، پایه سیاست امنیت ملی را از لحاظ دامنه و گستردگی تعیین می‌کند. قدرت به خصوص بُعد نظامی آن به طور سنتی، یگانه و مناسب‌ترین ابزار برای تأمین امنیت هر کشور در صحنه کشمکش‌های داخلی و خارجی تلقی می‌شود، اما امروزه با تحولات پیچیده نظام بین‌المللی، توسعه ارتباطات و افزایش وابستگی‌های ملل به یکدیگر، این تصور مورد تردید قرار گرفته است. این موضوع از چند بُعد دیگر حائز اهمیت است:

نخست این که امروزه برخلاف گذشته، به هیچ وجه قدرت نظامی به عنوان تنها شاخص عمده قدرت ملی شناخته نمی‌شود، بلکه عوامل اقتصادی، اطلاعاتی، علمی و فرهنگی از اهمیت زیادی در اندازه‌گیری قدرت برخوردار هستند. دوم،

تصور هر ملت به ویژه هیأت حاکمه‌اش از حوزه و محدودیت امنیت ملی آن کشور، نقش به‌سزایی در میزان تأثیر قدرت‌ش در تأمین امنیت آن کشور بازی می‌کند.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که قدرت ملی، همچنان به عنوان یک ابزار برای تأمین امنیت مطرح می‌باشد. البته باید توجه داشت که در عناصر، اجزاء و اولویت بندی قدرت ملی نسبت به گذشته، دگرگونی‌های بی‌شماری به وقوع پیوسته است و ماهیت قدرت ملی به تعریفی که ملت‌ها از امنیت ملی خود دارند و این که چه عنصری را در آن واجد اهمیت خاص می‌دانند، بستگی دارد. قدرت ملی به عنوان مجموعه توانایی‌های بالقوه و بالفعل یک کشور، متناسب-ترین ابزار برای دستیابی به امنیت ملی است. کشوری که از فقدان یا کمبود منابع قدرت ملی رنج می‌برد، مسلماً از تأمین امنیت ملی خود نیز عاجز خواهد بود. هر اندازه قدرت ملی یک کشور بیشتر باشد، امکان تحقق امنیت ملی در آن کشور بیشتر است و متقابلاً به میزانی که یک کشور از امنیت بیشتری برخوردار باشد، شرایط برای افزایش قدرت ملی آن نیز به همان میزان فراهم خواهد بود (زارعی و دولاح، 1386: 23 - 22).

در امنیت ملی شایسته است نوعی نگاه محتاطانه نسبت به بیگانگان وجود داشته باشد؛ زیرا مصونیت در برابر تهدیدات خارجی و افزایش ضریب اطمینان نسبت به عدم تعرض، خود مایه امنیت ملی است. هر نظام سیاسی، مهم‌ترین وظیفه خود را ایجاد امنیت ملی می‌داند و می‌کوشد تا با انواع تهدیدهایی که امنیت آحاد ملت را به خطر اندازد، مقابله نماید. باید گفت مقصود از تهدیدات خارجی، تنها تهدیدات نظامی نیست، بلکه افزون بر آن، تهدیدات اقتصادی<sup>1</sup> و فرهنگی<sup>2</sup> را نیز شامل می‌شود.

### جرایم علیه امنیت خارجی کشور

1 - امنیت اقتصادی به وضعی اطلاق می‌شود که در آن مردم در نگهداری اموالشان امنیت داشته باشند و دولت با مدارا و رعایت عدل و انصاف و دیگر اخلاق پسندیده اسلامی، از آنان مالیات اخذ نماید.

2 - هر گاه عده‌ای از دشمنان داخلی یا خارجی بکوشند تا فضای آرام جامعه را بر هم بزنند، اعتقادات مردم را متزلزل کنند، اذهان آنان را آشفته نمایند و در پی مسخ فرهنگی باشند، در این صورت کارگزاران نظام وظیفه دارند در برابر این گونه تهدیدات و ناامنی فرهنگی ایستادگی کنند.



قانون‌گذار اعمالی را که خیانت به کشور محسوب شده یا بر ضد استقلال و تمامیت ارضی و مضر به دفاع ملی کشور و محل مناسبات خارجی آن با سایر کشورها و نظایر آن باشد، تحت عنوان جرایم بر ضد امنیت خارجی کشور، قابل مجازات دانسته است. عمده جرایم بر ضد امنیت خارجی کشور از خیانت به کشور ( اسباب چینی یا داخل شدن در اسباب چینی، مساعدت و همکاری با دشمن، تسلیم اسرار یا تصمیمات دولت راجع به امور نظامی به مأمورین دولت متخاصم، تسلیم نقشه‌ها به دولت متخاصم، اخفاء یا سبب اخفاء جاسوسان یا سربازان دولت خصم را فراهم کردن و تحریک نظامیان به الحاق به دشمن )، جاسوسی و جرایم عادی بر ضد امنیت کشور تشکیل می‌گردد ( گلدوست جویباری، 1387: 121 - 116 ). بر همین اساس، ماده 187 قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد هر فرد یا گروهی که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار، امکانات مالی مؤثر و یا اسباب کار و سلاح در اختیار آن‌ها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می‌باشند ( شکری و سیروس، 1389: 214 ). ماده 610 از همین قانون نیز بیان می‌دارد هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تباہی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند، در صورتی که عنوان محارب بر آنان صدق نکند، به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد ( همان، 1389: 655 ).

مسئولیت مدنی و جزائی مجرم سیاسی در خصوص جرایمی که پیش از قیام مرتکب شده و نیز جرایمی که پس از قیام انجام داده است، مسئولیت معمولی و عادی است و خود او نیز مجرم به حساب می‌آید. پس اگر دست به قتل بزند، در صورت ایجاد موقعیت برای قصاص، قصاص می‌شود. اگر مال کسی را مخفیانه برباید، با فراهم شدن موقعیت برای سرقت، با عنوان سارق مجازات می‌بیند، اگر مال کسی را غصب یا تلف کند، مسئولیت مدنی خاص آن را خواهد داشت و اگر از انجام دادن تکلیف مقرر خودداری کند، مجازات آن را خواهد دید و در هر حال، عهده‌دار مسئولیت مدنی اعمال خود مثل غصب و سرقت و اتلاف خواهد بود.

جرایمی که در حین شورش از طرف مجرمان سیاسی سر می‌زند؛ یا از سلسله جرایمی است که طبیعت جنگ اقتضا می‌کند و یا فاقد این ویژگی است. دسته اول مانند مقاومت در برابر مأموران دولتی و قتل آنان و تصرف شهرها و مراکز

حکومتی، استیلا بر اموال عمومی، تخریب جاده‌ها، آتش زدن قلاع و تخریب دیوار دور شهر و پناهگاه‌ها و از این قبیل که طبیعت جنگ مقتضی وجود آن- هاست، جرایم عادی محسوب می‌شود و برای مجازات آن‌ها حکم در نظر نمی- گیرند و با عنوان « جرم بغی » مشمول حکم خواهند بود و حقوق اسلامی در مورد « بغی » فقط به کشتن مجرمان سیاسی و گرفتن اموال آنان به قدری که باعث غلبه و پیروزی گردد، اکتفا می‌کند و چنان چه دولت مرکزی پیروز شد و آنان سلاح خود را بر زمین نهادند، جان و مالشان در حمایت قانون قرار می‌گیرد و حاکم در اجرای مجازات تعزیری یا عفو آن‌ها مخیر است و جرایم و اعمالی که در حالت بغی انجام داده‌اند، مجازات‌پذیر نیستند ( عوده، 1390: 378 - 377 ).

### حقوق مردم

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های سنت دموکراتیک، پیروی از حاکمیت قانون است. حاکمیت قانونی که خود بخشی از دموکراسی است. در خصوص امنیت ملی، سنت دموکراتیک دو مورد سیاست‌گذاری عمومی برای انتخاب اهداف و چارچوب عملی نهادها و ایجاد سیستم نظارتی که عملکرد این مورد با ارزش‌های دموکراتیک را تطبیق می‌دهد، را دربرمی‌گیرد. به لحاظ تجربی یا رفتاری، استفاده از ابزارهای حقوقی یک تاکتیک مناسب برای دستیابی به هدف محسوب می‌گردد. دلایل زیادی برای این مسأله می‌توان برشمرد از جمله این که:

1- شکل قانونی بخشیدن به حوزه وظایف آژانس‌های امنیتی، باعث تقویت روحیه آنان و رعایت محدودیت‌های وضع شده در قانون می‌شود.

2- ایجاد ساختار قانونی در بین نهادهای عملیاتی، باعث می‌گردد تا قربانیان سوء استفاده از قدرت بتوانند راحت‌تر جبران خسارت خود را دریافت کنند. برای دست یافتن به چنین سیستمی، باید به سیستم حقوقی، جایگاهی متعالی و برجسته بخشید.

3- نهایتاً و مهم‌تر از همه، قرار دادن آژانس‌های امنیتی در قالب ساختار حقوقی، نتایج مهم و بنیادین به همراه خواهد داشت. قدرت نظامی نمی‌تواند برای همیشه در انحصار قوه اجرایی باشد، بلکه بخشی از آن باید بر عهده نهاد قضایی و قانون‌گذاری قرار گیرد ( برودیور و دیگران، 1389: 417 - 416 ).

باید دید وقتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر صحبت از مفهوم حق می‌شود، این حق به چه معنایی مدنظر است؟ در ابتدا دانستن مفهوم «حق داشتن» و مفهوم «حق بودن» لازم است. گرچه هر دو مفهوم حق، هنجاری هستند و هر دو مفهوم تجویزی و متعلق به گزاره‌های ارزشی می‌باشند، اما این دو مفهوم با یکدیگر متفاوتند. مفهوم «حق داشتن» در مقابل «تکلیف» به کار می‌رود، ولی مفهوم «حق بودن» در مقابل «باطل» به کار می‌رود. آن چه در عصر مدرن و حقوق بشر از آن تعبیر به حق می‌شود، منظور «حق داشتن» است که در مقابل تکلیف استعمال می‌شود (ابراهیمی، 1389: 128).

طرفداران حق توسعه خواهان بهره‌مندی همه انسان‌ها از سهمی عادلانه و متناسب از کالاها و خدمات تولیدی در سطح جهانی می‌باشند. حق توسعه، یک حق بشری است و حق داشتن فرصت مساوی برای توسعه، حق همه ملت‌ها و همچنین حق همه افراد در چارچوب قلمرو ملت‌هاست (میر عمادی، 1387: 315 - 314).

نخستین و بنیادی‌ترین حق برای انسان حق زیستن است. این حق زیربنای همه حقوق انسان است و مسائلی چون نژاد، جنسیت، مذهب و اعتقاد در بهره‌مندی از این حق اثری ندارند. انسانی که بر اساس میل به صیانت نفس می‌تواند زندگی کند، بر همین اساس نیز می‌تواند نحوه زندگی کردن و وسایل لازم برای آن را انتخاب کند. از این رو نوعی آزادی (خردباوری) مطلق در مورد طرز تفکر و رفتار خویش دارا می‌باشد. آزادی از یک طرف به مفهوم فقدان محدودیت و مانع برای رسیدن به خواسته‌های انسان است؛ البته به شرط آن که با خواسته دیگری در مورد همان چیزی تعارض نداشته باشد، و از نظر دیگر، توان تصمیم‌گیری به دور از دخالت دیگران است و این به آن معناست که هر کس ارباب خود می‌باشد (میر موسوی و حقیقت، 1388: 117).

امتیازاتی که برای افراد در جامعه شناخته می‌شود، همه در یک ردیف نیستند و قوت و تأثیر یکسان ندارند. برخی از امتیازات ضعیف و رنگ باخته هستند که رعایت آن‌ها به سهولت و گاهی در حد یک تعارف انجام می‌گیرد و عدم رعایت آن‌ها نیز واکنشی برنمی‌انگیزد. امتیازات آن قدر مهم هستند که بی‌اعتنایی به آن‌ها موجب بروز واکنش می‌شود. این واکنش گاهی از درون خود انسان به صورت ندامت و ملامت وجدان است و گاهی از برون است که به روشی سامان نیافته و نامنسجم به صورت نکوهش و تحقیر و تنفر مردم نمودار می‌شود. در هر

دو حال پیامد گستاخی در برابر حق، احساس پشیمانی و شرمندگی است و کسی که حاضر به تحمل آن پیامد نباشد، به ناچار حریم حق را رعایت می‌کند و خود را از وسوسه بی‌اعتنایی نسبت به آن دور نگه می‌دارد. اما احساس شرم و ندامت نزد بسیاری از مردم آن اندازه نیرومند نیست که برای پاسداری از حق کفایت نماید. بنابراین برای جلوگیری از گردن‌کشان و طاغیان به واکنشی سامان یافته و ضابطه‌دار نیاز است که قانون می‌تواند مکانیزمی با ساخت و کار چنین واکنش منضبطی باشد که البته باید از بیرون اعمال شود (موحد، 1381: 59).

در واقع اگر به جامعه‌ای بیندیشیم که فرد در آن پدیدار شد، اعتبار کسب کرد و رشد یافت، خواهیم دید این شکوفایی تنها توانست به قیمت رشد پدیده‌ای صورت گیرد که بیانگر نفی ضرر است. تأکید و اثبات استقلال فردی بدون تردید با تشدید وابستگی جمعی پایه‌پای یکدیگر صورت گرفته و می‌گیرد. کسب و گسترش حقوق هر فرد، از خود بیگانگی عمومی را به وجود می‌آورد. باید گفت که فرمانروایی ویژه فرد، مستلزم حاکمیت همگانی حکومت می‌باشد. علاوه بر آن، آزادی افراد بدون بسط و اشاعه قدرت اجتماعی صورت نمی‌گیرد (گُشه، 1385: 174 - 173).

برخی حق را به لحاظ خواستگاه آن، بر دو نوع تقسیم کرده‌اند: حقی که ناشی از یک عمل ارادی است و حقی که بدون دخالت اراده انسانی موجودیت می‌یابد. اولی را حق اختصاصی و دومی را حق عمومی می‌نامند. غرض از حق عمومی، تعبیر دیگری از حق فطری یا طبیعی است، مانند حق آزادی بیان و آزادی عقیده. وقتی از حقوق زنان، حقوق کودکان و یا از حقوق پناهندگان سخن می‌رود، منظور حقوق عامی است که همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد (اصغری، 1386: 279 - 278).

کانت بر سه امر تأکید فراوان دارد که هر سه به احترام به انسان و حقوق او می‌انجامد: خودمختاری یکی از آن سه امر است. می‌گوید انسان قابلیت‌گزینش و تصمیم‌گیری عقلانی را دارد و موجودات غیر انسانی چنین نیستند. امر دوم، کرامت انسان است که از خودسامانی او نشأت می‌گیرد؛ چون انسان دارای خودمختاری است، پس مستحق کرامت است که او را از دیگر موجودات ممتاز گرداند. امتیاز انسان به انسانیت اوست. امر سوم، باور به اصل «غایت بودن انسان» است. این اصل می‌گوید با همه انسان‌ها به صورت برابر به عنوان غایت بالذات رفتار کنید و همه انسان‌ها حق دارند به عنوان موجوداتی که از ارزش ذاتی

برخوردارند، محترم شمرده شوند و حیثیت و کرامتشان دستخوش آسیب قرار نگیرد.

در جامعه سیاسی، اصل بر آزادی است و اگر چه آزادی امری مطلق نیست، اما تنها مفهوم تحدیدگر آزادی، عدالت است. هدف اولیه و اصلی قدرت سیاسی، تأسیس و استمرار نظام اجتماعی عادلانه است. این نظام به جهت اقتضای ذاتی و ضروری عدالت و برای رسیدن به خیر عمومی، برخی اعمال همچون زنا و سرقت را ممنوع اعلام می‌کند و پاره‌ای از افعال را الزامی می‌کند، مانند رعایت قوانین حمل و نقل و پرداخت مالیات و . . . ( قربان‌نیا، 1387: 88 - 87 ). حقوق بشر از کرامت ذاتی انسان ناشی می‌شود. اگر هر انسانی را محترم و دارای کرامت به شمار آوریم و آن را به نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده و مرام سیاسی یا سایر عقاید، دارایی، وضع تولد یا سایر وضعیت‌ها پیوند نزنیم، آن-گاه ایده نسبیت‌گرایی فرهنگی که به نحو افراطی وجود باورهای فراهنگی را انکار می‌کند، مردود خواهد شد. از سوی دیگر، انکار کرامت و احترام همه انسان‌ها، این نتیجه را می‌دهد که تنها پاره‌ای از انسان‌ها صاحب کرامت و احترامند، برخی از انسان‌ها نه تنها دارای کرامت نیستند، بلکه اساساً انسان نیستند. متأسفانه همواره کسانی این ادعا را مطرح کرده‌اند که پاره‌ای از انسان‌ها دارای کرامت نیستند، بلکه انسان نیستند، اشخاص دروغین‌اند. مثلاً بر پایه ایدئولوژی نازیسم، یهودیان انسان‌هایی دروغین‌اند. انکار کرامت انسانی به نفی انسانیت می‌انجامد. تفکیک انسان‌ها به انسان‌های واجد و فاقد کرامت و حرمت، توجیه‌گر نقض بنیادی‌ترین حقوق انسان‌ها است. اما اگر انسان را محترم به شمار آوریم، خیر تمام آن‌ها را طلب می‌کنیم. هیچ باور، عقیده یا فرهنگی که برای انسانیت احترام قائل است و انسان را صاحب کرامت می‌داند، شکنجه، تجاوز، نژاد پرستی، بازداشت خودسرانه، پاک‌سازی قومی، نسل زدایی، مثله کردن، استفاده از سلاح کشتار جمعی و ناپدید سازی اجباری را تحمل نمی‌کند. هیچ انسانی که به انسانیت انسان و کرامت او باور دارد، اعتقاد ندارد که چنین اعمالی برای کسانی خوب است یا احتمال دارد خوب باشد.

نمی‌توان تصور کرد علیه شناسایی حقوق فردی که حق حیات، آزادی و امنیت شخصی را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد، شخصیت حقوقی انسان را تضمین می‌کند و حمایت قانونی را علیه بردگی، نژادپرستی، دستگیری، توقیف یا تبعید

خودسرانه، محاکمه و مجازات‌های غیر عادلانه و یا رفتار توهین آمیز یا غیر انسانی منظور می‌کند، توافق فرهنگی صورت گیرد ( همان، 130 - 127 ).

### بحث و نتیجه‌گیری

امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان بوده و مفهومی نسبی و ذهنی دارد که آرامش درونی ایجاد می‌کند؛ چون به معنای تأمین آسایش و راحتی خیال و نبودن ترس در زندگی فردی و اجتماعی با وجود مجموعه شرایطی است که به انسان توانایی حرکت و برنامه ریزی برای تغییر وضعیت فعلی به وضعیت بهتر را می‌دهد. از جمله عواملی که می‌تواند امنیت را بر هم زند، تهدید است که به معنای بیان و ابراز قصد آسیب رساندن، نابود یا تنبیه کردن یا ناراحت کردن و به دردمس انداختن دیگران از روی انتقام یا ارباب می‌باشد. امنیت دارای ابعاد مختلفی از جمله امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و ملی است و اعمالی که خیانت به کشور محسوب شده یا بر ضد استقلال و تمامیت ارضی و مضر به دفاع ملی کشور و مخل مناسبات خارجی آن با سایر کشورها و نظایر آن باشد، جرایم بر ضد امنیت خارجی می‌باشند که مجازاتی برای آن در قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته شده است.

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های سنت دموکراتیک، پیروی از حاکمیت قانون است. طرفداران حق توسعه، خواهان بهره‌مندی همه انسان‌ها از سهمی عادلانه و متناسب از کالاها و خدمات تولیدی در سطح جهان می‌باشند. نخستین حق برای انسان، حق زیستن است که این حق زیربنای همه حقوق انسان می‌باشد و مسائلی چون نژاد، جنسیت، مذهب و اعتقاد در بهره‌مندی از این حق اثری ندارند؛ زیرا انسانی که بر اساس میل به صیانت نفس می‌تواند زندگی کند، بر همین اساس نیز می‌تواند نحوه زندگی کردن و وسایل لازم برای آن را انتخاب کند و حقوق بشر از کرامت ذاتی انسان ناشی می‌شود و اگر هر انسانی را محترم و دارای کرامت به شمار آوریم و آن را به نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده و مرام سیاسی یا سایر عقاید، دارایی، وضع تولد یا سایر وضعیت‌ها پیوند نزنیم، آن‌گاه ایده نسبییت-گرایی فرهنگی که به نحو افراطی وجود باورهای فرافرهنگی را انکار می‌کند، مردود خواهد شد. امنیت نیز یکی از این حقوق می‌باشد که باید به دور از هر گونه رنگ، نژاد، جنسیت، زبان، مذهب و . . . در جامعه حکمفرما باشد تا جامعه‌ای باثبات و امن برای شهروندان موجود باشد و در صورتی که رنگ،

نژاد، جنسیت و . . . در جامعه حکمفرما باشد و امنیت بر این اساس باشد، جامعه دچار ناهنجاری و بی‌ثباتی خواهد شد.

## منابع و مأخذ

- آشنا، حسام الدین و محمد صادق اسمعیلی ( 1388 )، امنیت فرهنگی: مفهوم فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی، راهبرد فرهنگ، شماره 5، صص 90 - 73.
- آقا رفیعی، احمد علی و محمد تقی سرمدی ( 1389 )، مدیریت سالم ( سلامت امنیت، مبانی مدیریت، تحول در فرهنگ مدیریتی )، تهران: سرمدی.
- ابراهیمی، محمد ( 1389 )، تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیر انسانی در نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، خرسندی.
- اصغری، محمد ( 1386 )، عدالت و عقلانیت در فقه و حقوق، تهران: اطلاعات.
- افتخاری، اصغر (1378)، ظرفیت طبیعی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی ( ویژه خشونت و جمعیت )، شماره 56، صص 43 - 24.
- افتخاری، اصغر و همکاران ( 1389 )، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق ( ع ).
- افشردی، محمد حسین ( 1381 )، ژئوپولوتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- برودیور، ژان پل، پیتر گیل و دنیس تولبرگ ( 1389 )، دموکراسی، قانون و امنیت (بررسی سرویس‌های اطلاعاتی در غرب )، ترجمه کابک خیبری، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی معاصر.
- تریف، تری و دیگران ( 1381 )، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا و زهرا صادقی ( 1387 )، رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران: تهدیدات و راهکارها، پژوهش سیاست، شماره 25، صص 88 - 49.
- رنجبر، مقصود ( 1378 )، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- روحانی، حسن ( 1390 )، امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- زارعی، بهادر و عبدالصمد دولاح ( 1386 )، بوشهر در امنیت ملی ایران، تهران: دادگستر.
- شجاع، مرتضی ( 1390 )، رهیافتی تطبیقی بر مطالعات امنیت، تهران: اندیشه عصر.
- شریبانی، قوام ( 1387 )، امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- شکرپی، رضا و قادر سیروس ( 1389 )، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران: مهاجر.



- صفی، محمد ( 1380 )، ژئوپولیتیک فرهنگی و مسأله امنیت ملی، تهران: شمس.
- طیب، علیرضا (1380)، ارزیابی‌های انتقادی در زمینه امنیت بین الملل، تهران: نی.
- عباسی، بیژن ( 1390 )، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ( سه نسل حقوق بشر در اسلام، ایران و اسناد بین المللی و منطقه‌ای )، تهران: دادگستر.
- عبدالله خانی، علی ( 1386 )، تهدیدات امنیت ملی ( شناخت و روش )، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- عوده، عبدالقادر ( 1390 )، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی: جرایم علیه آسایش عمومی، ترجمه حسن فرهودی نیا، تهران: شرکت بین المللی پژوهش و نشر یادآوران.
- فیروز آبادی، حسین ( 1391 )، پایدار سازی امنیت و امنیت پایدار در اسلام ناب محمدی ( ص )، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی ( داعا ).
- قربان نیا، ناصر ( 1387 )، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی، علی اکبر ( 1352 )، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کاظمی، احمد ( 1384 )، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- گنجه، مارسل ( 1385 )، دین در دموکراسی و حقوق بشر، ترجمه امیر نیکپی، تهران: ثالث.
- گلدوست جویباری، رجب ( 1387 )، جرایم علیه امنیت کشور « بررسی فقهی و حقوقی محاربه و جرائم مشابه »، تهران: جنگل.
- مظلوم، علی ( 1388 )، امنیت و امنیت ملی، حصون، شماره 19، صص 183 - 204 .
- معین، محمد ( 1378 )، فرهنگ معین، تهران: امیر کبیر.
- موحد، محمد علی ( 1381 )، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشری، تهران: کارنامه.
- مهدی زاده، غلامرضا و کیوان جوکار ( 1390 )، تروریسم و امنیت بین الملل، تهران: پیشه.
- میرعمادی، طاهره ( 1387 )، مبانی حقوق ملی و شهروندی در فضای تبادل اطلاعات، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- میر موسوی، علی و صادق حقیقت ( 1388 )، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مینایی، مهدی ( 1381 )، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.



